

سوریه یک سال پس از سقوط اسد چه شکلی است؟

ژنرال نتانیاہو؛ خامه روی کیک جشن تولد القاعده



سیدمهدی طالبی
رؤسدرکشی حوزه بین الملل

دولت بشار اسد، حاکم پیشین سوریه در ۱۸ آذر ۱۴۰۳ (۸ دسامبر ۲۰۲۴) سرنگون شد. امروزیک سال از سقوط وی گذشته است. جایگزین حکومت پنج دهه‌ای خاندان اسد که دو حاکم را به خود دید، یکی از شعبات منطقه‌ای سازمان تروریستی و جهانی القاعده است. عمر حکومت ابو محمد الجولانی، تروریست سابقهدار، به یک سال رسیده و در این بازه می‌توان عملکرد وی و تحولات سوریه را مورد بررسی قرار داد.

نکات

درباره تحولات رخ داده در سوریه پس‌اسد نکات ذیل اهمیت دارند.

۱ در دوره اسد سوریه با خطر حمله رژیم صهیونیستی و توسعه اشغالگری‌اش در جنوب روبه‌رو نبود؛ اما امروز این اتفاق رخ داده است. دلیل اصلی آن، بروز پنجره فرصت سقوط نظام سیاسی بود که به دوره‌ای از هرج و مرج انجامید. رژیم صهیونیستی به‌سرعت از این پنجره بهره برد و قلمرو خود را گسترش داد. دمشق با مسلط‌شدن نسبی بر اوضاع طی ماه‌های اخیر مقاومت بیشتری از خود در برابر رژیم نشان داده است؛ اما نمی‌توان به آن امیدوار بود.

۲ دولت‌های خارجی همچنان در سوریه حضور دارند. علاوه بر روسیه، آمریکا و ترکیه، رژیم صهیونیستی نیز به آن‌ها افزوده شده است. به عبارتی دیگر، نه‌تنها بازیگر دارای پایگاهی حذف نشده، بلکه یک بازیگر افزوده شده است. در خصوص ایران، نیروهای ایرانی در قالب پایگاه‌های مستقل در سوریه استقرار نداشته و به‌صورت مستشاری در کنار قوای دولتی فعالیت می‌کردند. وظیفه آن‌ها حمایت از قوای محور مقاومت و دولت در برابر تروریست‌ها و رژیم صهیونیستی بود. در حال حاضر این اهداف به اشکال متفاوتی پیگیری می‌شوند. محور مقاومت در سوریه دارای پایگاه‌هایی بود و امروز نیز از هسته‌های مقاومتی در این کشور بهره می‌گیرد.

۳ هرچند وابستگی‌های جولانی به ترکیه بالاست؛ اما تفاوت‌هایی نیز میان هردو دیده می‌شود، از جمله عدم تمایل تیم جولانی به گذار دموکراتیک، تدوین قانون اساسی و برگزاری انتخابات. ازاین‌رو تحولی دموکراتیک در سوریه رخ نداده است. جولانی انتخاباتی پارلمانی برگزار کرد که بسیاری از نمایندگان به طور مستقیم منصوب شده و تعداد دیگری نیز که انتخابی بودند، با آرای تنها ۶ هزار نفر برگزیده شدند. جولانی همچنین مسئولیت ریاست‌جمهوری و نخست‌وزیری را ادغام کرده و هردو را برعهده داد.

۴ جولانی بدون آنکه بهبودی در روابط خارجی ایجاد کند، تنها طرف‌های همکار را تغییر داده است. اگر اسد با روسیه، ایران، چین و محور مقاومت همکاری داشت و در اواخر حکومت تا حدی به امارات نزدیک شده بود، جولانی با غرب، ترکیه، عربستان، قطر و گروه‌های تروریستی روابط مثبتی برقرار کرده است. تنها تفاوت به نوع برخورد‌ها باز می‌گردد. اسد به دلیل همکاری با شرق و ایران تحت‌فشار غرب و متحدانش در منطقه بود؛ اما جولانی به‌خاطر همکاری با غرب تحت‌فشار و توطئه مشابه از سوی شرق قرار نگرفته است.

۵ در دوره اسد، کردها در شرق و تروریست‌های وابسته به ترکیه در شمال خارج از چتر دولت مرکزی فعالیت می‌کردند. در بخشی از شمال نیروهای جولانی مستقر بوده و در مناطق دیگر نیز متحدان ترکیه حضور داشتند؛ پس امروزه این ناحیه تهدیدی نیست. بااین‌حال کردها در شرق همچنان مسیر جدایی دارند، دروزی‌ها در جنوب نافرمان شده و در غرب و منطقه ساحل احتمال تنش و جدایی‌طلبی علویان بالاست. ازاین‌رو اگر در دوره اسد دو کانون واگرا وجود داشت، این تعداد در دوره جولانی به سه مورد رسیده است.

۶ حکومت جدید سوریه تلاش کرده با برخی اقدامات به همه نشان دهد تغییر کرده و دیگر همان گروه پیرو القاعده و سپس داعش نیست. علی‌رغم این اقدامات، گذشته تروریستی حکومت جدید نه فراموش شدنی است و نه واقعاً از بین رفته است. سرکوب خونین علویان و دروزی‌ها برای همه آشکار ساخت تغییری نسبت به گذشته وجود ندارد و تروریسم جولانی شکل دولتی به خود گرفته است. با چنین وضعیتی چندین جمعیت در درون سوریه در تنازع با هویت تروریستی دولت جدید قرار می‌گیرند؛ علویان به همراه گروه‌های شیعی، دروزی‌ها، کردها، مسیحیان و اهل سنت سکولار. به دلیل تلاش جولانی برای ارتباط خوب با غرب فعلاً از افزایش تنش با مسیحیان جلوگیری شده و اهل سنت سکولار تاکنون با مشکلات بزرگی مواجه نشده‌اند؛ اما زمینه‌های اشتعال وجود دارد. اهل سنت سکولار با مشی اخوانی‌های حاضر در دولت جولانی به مشکل نمی‌خورند؛ اما او در دستگاه نظامی و امنیتی خود با دو گروه بنیادگرایان داخلی و خارجی روبه‌روست. این گروه‌ها سرگرم مقابله با کردها، علویان، دروزی‌ها و مراقبت از مرزهای لبنان بوده‌اند و رها شدنشان از امور نظامی دخالتشان در امور اجتماعی و سیاسی را در پی خواهد داشت.

۷ آمریکا و رژیم صهیونیستی دو برنامه متفاوت برای تبدیل کردن سوریه به سرپل آشوب در منطقه دارند. آمریکا می‌خواهد سوریه پیکارچه مانده و با استفاده از جولانی و تروریست‌های همراهش، از این کشور توطئه‌هایی را علیه دیگر کشورهای منطقه مانند لبنان، عراق و ایران اجرایی کند. در مقابل،

رژیم صهیونیستی معتقد است جولانی قابل اعتماد نیست و از طرف دیگر باتوجه‌به بی‌ثباتی موجود احتمال سرنگونی وی نیز محتمل است؛ پس طبق اولویت سنتی تجزیه سوریه برای صهیونیست‌ها؛ باید به جای حمایت از دولت مرکزی به سمت تجزیه مناطق رفت و آن‌ها را تبدیل به سرپل دخالت در امور منطقه کرد. به‌عنوان نمونه آن‌ها می‌خواهند دروزی‌ها در جنوب استقلال گرفته و به تل‌آویو وابسته شوند تا از مسیر جنوب رژیم بتواند دسترسی خود را به کردها ایجاد کند.

به‌زعم آمریکا این اقدام نسبت به طرح آن‌ها اشکالاتی دارد. دروزی‌ها قادر به تحرک نظامی علیه لبنان نیستند و کردها نیز همانند تروریست‌های همراه جولانی، تهاجماتی مانند حمله ۲۰۱۴ داعش به عراق را تدارک نخواهند دید. در مقابل اما جولانی توانایی حمله به لبنان یا عراق را داراست.، حتی اگر او حمله‌ای تدارک نیند، می‌تواند با تحرکات تروریستی پراکنده و پشتیبانی از اهل سنت، اقلیم سنی در چهارچوب عراق را پایه‌گذاری کرده و آن را زیر نفوذ خود بگیرد. درحالی‌که اگر رژیم صهیونیستی به کردها در شرق برسد به‌سرعت مورد دشمنی ترکیه قرار گرفته و از سوی دیگر آن‌ها نه قادر به حمله‌اند و نه می‌توانند اقلیمی جدید بسازند، زیرا مدت‌هاست اقلیم کردستان عراق ایجاد شده است. آمریکا و متحدانش پشت جولانی ایستاده‌اند؛ اما ماشین جنگی رژیم صهیونیستی که همواره زیر فشار و مخالفت‌ها کار کرده، به خودسری عادت دارد و وضعیت کنونی را ویژه می‌بیند، هنوز از دستور کار خود عقب‌نشینی نکرده است. عملکرد تل‌آویو شکاف بزرگی در جبهه حامیان غربی جولانی ایجاد کرده، زیرا دشمنی رژیم می‌تواند تمام حمایت‌های غربی و منطقه‌ای از دمشق را تحت‌الشعاع قرار دهد.

۸ اگر در دوره اسد، بهره‌مندی از اقتصاد به وابستگی‌های دولتی مرتبط بود، امروز نیز همین‌گونه است. گرچه گفته می‌شود تحریم‌ها لغو شده و قسمتی دیگر در شرف لغو هستند، کمک‌های خارجی جریان داشته و دیگر خبری از جنگ داخلی همانند قبل نیست؛ اما برای بخش‌های مهمی از جامعه بهره‌ای از این وضعیت نخواهد بود. اقلیت‌های در حال سرکوب نه‌تنها از نظر معیشت که از نظر جانی نیز مورد تهدید قرار دارند.

وزارت جنگ اسرائیل می‌گوید ۸۲هزار نیروی امنیتی و نظامی تحت درمان روانکاوی هستند

زخمی‌ترین ارتش جهان



علی ملکی
خبرنگار گروه سیاست

رژیم صهیونیستی درگیر جنگی خاموش اما فرسایشی در لایه‌های نظامی و اداری شده که صدماتش به‌راحتی قابل جبران نیست. این را انتشار تازه‌ترین داده‌های وزارت جنگ اسرائیل درباره شمار نیروهای آسیب‌دیده از جنگ غزه، نشان داده است. این گزارش پرده از یکی از پرهزینه‌ترین و کمتر دیده‌شده پیامدهای این جنگ خاموش نشان می‌دهد که بیش از دوسال ساختار سیاسی، امنیتی و اجتماعی رژیم صهیونیستی را درگیر کرده است. روندی که شاید در ظاهر کمتر دیده شود؛ اما در لایه‌های زیرین اجتماع صهیونیستی و نظام اداری آن، حکایت از فرسودگی و سستی دارد. آمار تازه وزارت جنگ اسرائیل نشان می‌دهد ۸۲ هزار و ۴۰۰ نظامی صهیونیست تحت‌درمان روانکاوی هستند و تا سال ۲۰۲۸ این رقم به ۱۰۰ هزار نفر می‌رسد، از سوی دیگر ۵۸ درصد آسیب‌دیدگان مشکلات روانی دارند. از این تعداد ۶۳ درصد نیروهای ذخیره‌اند و ۴۹ درصد زیر ۳۰ سال دارند.

فرسودگی ۸۲ هزار نفره

طبق گزارش منتشرشده از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون حدود ۲۲ هزار نیروی امنیتی-زخمی وارد بخش توان‌بخشی وزارت جنگ رژیم شده‌اند. خطر این عدد برای دستگاهی که پیش‌ازاین نیز با کمبود ظرفیت و نیروی متخصص مواجه‌بود، عمق تبعات جنگ را نشان می‌دهد. در مجموع ۸۲ هزار و ۴۰۰ نفر تحت‌مراقبت در این بخشند؛ رقمی که خود نشان‌دهنده ابعاد گسترده آسیب‌دیدگی و میان نیروهای نظامی و امنیتی است. نکته قابل توجه، ۳۱ هزار پرونده آسیب‌روانی و «پست‌تروما» (اختلال روانی پس از تجربه خشونت یا حادثه شدید) در میان آتیه‌است. آسیب‌دیده‌ها نیز متنوعند؛ از سربازان دوره خدمت اجباری گرفته تا نیروهای ذخیره و افسران حرفه‌ای. بر اساس داده‌های رسمی، ۴۹ درصد مجروحان نیروهای وظیفه، ۲۶ درصد نیروهای ذخیره، ۱۳ درصد نظامیان دائمی و ۹ درصد نیز افسران پلیسند.

اصلاح تعریف صهیونیستی از جنگ

یکی از آمارهای مهم این گزارش، سهم بالای آسیب‌های روانی است. ۵۸ درصد از «مجروحان جدید» بنا به تشخیص پزشکان مبتلا به ترومای روانی شده‌اند. شاید برای اروپایی‌هایی که روایت جنگ غزه را با سانسور دنبال

می‌کنند این سؤال مطرح شود چرا ارتشی که سال‌ها درگیر جنگ بوده، نسبت به این آسیب‌ها ایزوله نشده است؟ پاسخ این سؤال به محض رفع سانسورهای اطلاعاتی روشن می‌شود؛ بسیاری معتقدند اساساً باید برای اتفاقی که در غزه در جریان است، عبارت «جنگ» را به کار برد؛ چراکه این عبارت در تعریف کلاسیک بین‌الملل از جنگ به معنای تعارض سازمان یافته و خشونت‌بار میان «دو واحد سیاسی دارای حاکمیت برابر» برای تحمیل اراده است. بسیاری از تحلیلگران، جنگ غزه را فاقد چنین مؤلفه‌هایی می‌دانند. فلسطین برای دهه‌ها با حملات سهمگین ارتش و حتی شهرک‌نشینان روبه‌رو بوده و روشن است که رژیم اشغالگر، پاسخی در سطح حملاتش از حماس دریافت نکرده است. با این حال عملیات هفتم اکبر با طراحی حماس و حملات پس از آن از سوی مقاومت لبنان، یمن، عراق و ایران به مواضع صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی، کاملاً از دایره تعریف نظامیان صهیونیست از «جنگ» خارج بود و برایشان تازگی داشت. تغییر کیفیت آسیب‌ها از زخم جسمی به «آسیب‌های روانی» نشان‌دهنده فشار روانی مستمر بر نیروهایی است که در محیطی با درگیری طولانی، اهداف نامشخص و تهدیدهای پراکنده عمل می‌کنند. بسیاری از تحلیلگران اسرائیلی در ماه‌های اخیر بارها هشدار داده‌اند جنگ طولانی مدت بدون چشم‌انداز مشخص، بیش از هر چیز، نیروی انسانی را فرسوده می‌کند و این فرسایش دیرپا زود خود را در ساختار نظامی نشان خواهد داد. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم «۴۹ درصد» از مجروحان جدید «زیر ۳۰ سال» دارند، یعنی جوان‌ترین بخش نیروی انسانی اسرائیل که قرار بود ستون‌های آینده دستگاه امنیتی باشند، اکنون با بالاترین نرخ آسیب‌دیدگی روبه‌رو است.

بحران ۶۳ درصدی در نیمکت ذخیره

طوفان الاقصی و عملیات‌های پس از آن، بر «نیروهای ذخیره» که ستون اصلی ارتش اسرائیلند، فشار زیادی وارد کرد. طبق این گزارش «۶۳ درصد از مجروحان تازه‌وارد «نیروهای ذخیره»‌اند. این نیروها معمولاً برای دوره‌های «کوتاه» و «محدود» آموزش می‌بینند و این عدد نشان می‌دهد اتکای شدید به نیروهای غیرحرفه‌ای، هزینه‌هایی ایجاد کرده که ارتش نتوانسته آن‌ها را مدیریت کند-و حالا حتی نیروهای ذخیره‌اش هم با مشکل روبه‌رو شده‌اند. از زمان آغاز جنگ، کارشناسان امنیتی در اسرائیل بارها گفته‌اند ارتش برای حفظ نیروهای ذخیره با بحران دوگانه‌ای مواجه است. از یک‌سو نیاز عملیاتی ارتش به شدت بالا رفته و از سوی دیگر نارضایتی، فرسودگی روانی و فشارهای اجتماعی، بسیاری از نیروهای ذخیره را از ادامه مشارکت فعال بازداشته است. این موضوع توان رزم رژیم در آینده را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

زخم‌های نامرئی

آتجه وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند، پیش‌بینی رسمی وزارت جنگ است. براین اساس، تا سال ۲۰۲۸ میلادی، تعداد پرونده‌های تحت مراقبت ممکن است به «۱۰۰ هزار نفر» برسد که احتمالاً نیمی از این افراد با تروما زندگی خواهند کرد. به این ترتیب، دستگاهی که هم‌اکنون در آستانه فروپاشی ظرفیت است، باید خود را برای افزایش دست کم ۲۰ درصدی در حجم پرونده‌ها آماده کند. عیدان کلیمان، رئیس سازمان معلولان ارتش صهیونیستی، در گفت‌وگو با شبکه ۱۴ رژیم اعداد منتشر شده را «زنگ خطر فوری» توصیف کرده است. تأکید او بر این نکته که «این ارقام فقط عدد نیستند» نشان می‌دهد مسئله صرفاً آماری نیست، بلکه در دیاره بحران ساختاری کشور سخن می‌گوید. او از کمبود شدید نیروی انسانی متخصص و عدم تقویت کادر در مان انتقام می‌کند-و هشدار می‌دهد روند کنونی ممکن است به «فاجعه‌ای دیگر» در زیرساخت‌های نظامی منجر شود. کلیمان می‌گوید: «بیش از نیمی از مجروحان این جنگ» با «زخم‌های نامرئی» روبه‌رو هستند.

بازنشستگی زودرس

مستولان بخش نیروی انسانی ارتش اعلام کرده‌اند که حدود «۶۰۰ نیروی حرفه‌ای» درخواست بازنشستگی زودهنگام داده‌اند و برای پر کردن خلأهای ساختاری، ناچار شده‌اند افسران جوان‌تر را با سابقه کمتر به درجات بالاتر ارتقا دهند. سرتیپ امیر و دمنی، رئیس ستاد بخش نیروی انسانی در این باره گفت: «برای بستن بخشی از شکاف‌ها، افرادی باتجربه کمتر را وارد رده‌های بالاتر می‌کنیم. این روند پایدار نیست.» این بحران هم‌زمان شده با انتشار نسخه اصلاح‌شده یک طرح دولتی درباره معافیت‌های سربازی برای جامعه خریدی که منجر به اعتراضاتی در خیابان‌های اشغالی شده است. در حال حاضر حدود «۸۰ هزار خریدی بین ۱۸ تا ۲۴ سال» واجد شرایط سربازی هستند؛ اما وارد خدمت نشده‌اند. ارتش صهیونیستی می‌گوید به دلیل فشارهای ناشی از جنگ و تحولات منطقه‌ای فوراً به ۱۲ هزار نیروی تازه‌نفس نیاز دارد.

فقط ۶۳ درصد حاضر به ادامه خدمت هستند

هفته گذشته نیز روزنامه «تایمز آو اسرائیل» به نقل از شبکه ۱۲ آماره‌های مهمی درباره میزان علاقه نظامیان برای ادامه خدمت در ارتش صهیونیستی ارائه کرد. بر این اساس و طبق نظرسنجی‌های داخلی که توسط خود ارتش انجام شده، فقط «۶۳ درصد» از افسران اعلام کرده‌اند علاقه‌مند به ادامه خدمت هستند. این در حالی است که این رقم در سال ۲۰۱۸ میلادی، «۸۳ درصد» بود. این کاهش ۲۰ درصدی فقط به افسران محدود نمی‌شود. میزان تمایل به ادامه خدمت در میان درجه‌داران از «۵۸ درصد» در سال ۲۰۱۸ به «۳۷ درصد» رسیده است. ارتش اسرائیل سال‌هاست با مشکل نگهداشت نیروهای حرفه‌ای دست‌به‌گریبان است؛ اما مقام‌های نظامی می‌گویند شرایط در دوسال گذشته شدیداً «بدتر» شده است؛ آن هم به دلیل «فرسودگی ناشی از جنگ، تشدید تنش‌های سیاسی داخلی، و نارضایتی گسترده از تبعیض هادر امور نظامی.» انتصاب «رومن گوفمن» به‌عنوان رئیس جدید موساد و دخالت سارا تانیاہو، همسر نتانیاہو در امر امن، جزئی از همان شکاف‌های سیاسی و امنیتی‌ای است که تا به آف اسرائیل و شبکه ۱۳ رژیم معتقدند در فرسودگی نظامی رژیم نقش دارد.

فرهنگ نخبگان

فرهنگ نخبگان

سه شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۴

شماره ۴۵۷۷

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

فرهنگ نخبگان